

ارزیابی روایات ثواب سوگواری از منظر فقه شیعه

سید مسعود عمرانی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران (نویسنده مسؤول) seyedmasoud emrani@yahoo.com

نویسنده مسؤول: seyedmasoud emrani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

چکیده

احادیث بسیاری وجود دارد که مردم را بر سوگواری بر مصیبت‌های اهل بیت عصمت و طهارت، تشویق می‌نماید. پاداش‌هایی عظیم از قبیل وصول به رحمت الهی، سعادت‌مندی، آموزش گناهان و دخول در بهشت، نمونه‌ای از پاداش بر این عزاداری است که در روایات شیعه مطرح شده است. برخی در سند و دلالت این روایات خدشه نموده‌اند که این روایات، مستند به دلیل معتبری نیست و پاداش آنها، با عقل و آیات قرآن همخوانی ندارد؛ بلکه این احادیث، روایت‌های ضعیفه یا مرسله‌ای است که نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد. یافته‌های پژوهش حاضر، این است که از لحاظ سندی قراین بسیاری بر اعتبار این احادیث وجود دارد و از لحاظ متنی و دلالتی نیز فاقد اشکال بوده و مطابق با عقل و آیات قرآن می‌باشد و اکثر فقها شیعه طبق این احادیث، بر استحباب عزاداری بر معصومان فتوا داده‌اند. و مجالی برای انکار این روایات باقی نمی‌ماند. نوآوری این نوشتار بیان شرح حال راویان این احادیث از نظر رجالی و ذکر آرای دانشمندان در تصحیح و تضعیف این اخبار و ارائه تحلیل‌های تازه از منظر فقه شیعه است.

کلیدواژه: بررسی سندی، بررسی متنی، سوگواری، فقه، ثواب.

مقدمه

احادیث بسیاری از پیامبر و ائمه اطهار وجود دارد که مردم را بر گریستن، گریاندن و خود را به گریه واداشتن، در سوگ معصومان تشویق می‌نماید. پاداش‌هایی عظیم از قبیل وصول به رحمت الهی، سعادت‌مندی، آموزش گناهان و دخول در بهشت، نمونه‌ای از پاداش بر این سوگواری است که در روایات شیعه مطرح شده است. (رک: ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۱)

اگرچه اکثر فقها شیعه طبق این احادیث، بر استحباب عزاداری بر معصومان فتوا داده‌اند. (صدری، ۱۳۹۰: ۸) اما برخی از نویسندگان، اعتقاد دارند: روایات شعائر و سوگواری، مستند به دلیل معتبری نیست؛ بلکه این احادیث، روایت‌های ضعیفه یا مرسله‌ای است که نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد؛ همان‌طور که برخی خطبا نیز در منابع این روایات ضعیفه را نقل کرده و برای رواج کار خود، برای مردم بیان می‌دارند. (حلی، ۱۳۹۳: ۲۱)

شارحان کتب اربعه، از قبیل ملا صالح مازندرانی و محمد باقر مجلسی نیز ضمن تایید روایات سوگواری، به طور مختصر در ذیل آنها به بحث سندی و دلالتی این روایات پرداخته‌اند، لکن با این همه، باید گفت که در بررسی سندی و محتوایی این احادیث، آنگونه که بایسته است، نگاشته نشده است؛ از همین رو برخی اندیشمندان در کتابهای معاصر، جواب‌های شارحین را کافی ندانسته و مجدد بر این احادیث اشکال نموده‌اند. (حسنی، ۱۳۶۵: ۱۰)

نوآوری این نوشتار بیان شرح حال راویان این احادیث از نظر رجالی و ذکر آرای دانشمندان در تصحیح و تضعیف این اخبار و ارائه تحلیل‌های تازه از منظر فقه شیعه است.

سؤال اصلی این مقاله این است که سند روایات ثواب سوگواری تا چه حد اعتبار دارد؟

به دنبال این سؤال اصلی، سئوالات فرعی که مطرح است عبارت‌اند از:

۱. آیا ضرورتی برای کشف وثاقت این روایات وجود دارد؟
۲. آیا بر فرض اثبات ضعف سندی برخی از احادیث عزاداری، بازهم قابل دفاع است؟
۳. آیا دلالت این روایات با آیات قرآن و مبانی عقل همخوانی دارد؟

این نوشتار با بررسی سندی و متنی این احادیث، به روش توصیفی، تحلیلی و انتقادی به سئوالات بیان شده پاسخ و اعتبار سنجی آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۱. بررسی سندی

۱-۱. روایات عزاداری مشمول قاعده ی تسامح در ادله ی سنن

یکی از قواعد فقهی که در مکتب شیعه وجود دارد، قاعده «من بلغ» یا «تسامح در ادله سنن» است. پشتوانه‌ی اصلی این قاعده، احادیث معتبر و صحیحه‌ای است که محتوای آن‌ها این است که چنان چه حدیثی در بردارنده‌ی پاداشی برای انجام یا ترک عملی باشد و به کسی برسد و او برای رسیدن به آن ثواب، به مقتضای روایت عمل کند، پاداش وعده داده شده‌ی آن به وی داده می‌شود، هر چند حدیث، آن گونه که نقل شده، نباشد.

در زمینه‌ی روایات «من بلغ»، پنج حدیث نقل شده که مضمون همه‌ی آن‌ها مشترک است. از این تعداد دو روایت در «الکافی»، یک روایت در «ثواب الأعمال» و دو روایت دیگر در «المحاسن» برقی آمده است. (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۳۲؛ برقی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۵) سند برخی از این روایات، صحیح و عالی است: راویان روایت در کافی و ثواب الاعمال و کتاب محاسن، همه از از صالحان و ثقات شیعه هستند. (حسینیان قمی، ۱۳۷۶، ۱۲۹)

این روایات در سایر کتابهای روایی و معتبر شیعه از قبیل: «اقبال الاعمال» (ابن طلوس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۵۶)، «عدّة الداعی» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۳)، «وسائل الشیعة» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۳) و «بحار الأنوار» (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۵۶) نیز آمده است.

بنا به نظر شیخ بهایی بسیاری از عالمان شیعه؛ از قبیل علامه حلی، شهید اول نیز براساس قاعده ی تسامح فتوا داده‌اند و قایلند: «بررسی سند این روایات لازم نیست؛ زیرا در بین آن روایات، حدیث صحیح السند وجود دارد و این دسته از روایات یکدیگر را تقویت می‌نمایند». (بهایی، ۱۳۷۴، ۱۹۲)، شیخ انصاری و آیت الله خویی نیز مضمون این کلام را تایید کرده‌اند. (انصاری، ۱۴۱۴، ۱۴۳؛ خویی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۱۸)

به نظر نگارنده، رسیدگی به این احادیث از جهت اعتبار سند، به بررسی بیشتری نیاز ندارد؛ زیرا در میان این احادیث همانطور که گفته شده روایت صحیح وجود دارد. علاوه بر آن، احادیث «من بلغ» مستفیض هستند و تعداد آن‌ها زیاد است، حتی بعضی از محققان آن‌ها را متواتر معنوی می‌دانند و یا لاقلاً، آن‌ها را با توجه به اجماع و شهرت عملی، قطعی الصدور می‌شناسند. (رک: سبحانی، ۱۴۱۵: ۱۵)

پیرامون دلالت احادیث «من بلغ» وجوه گوناگونی بیان شده است. طبق تتبعی که توسط نگارنده صورت گرفت، جامع‌ترین تحقیق پیرامون این موضوع، توسط آیت الله جعفر سبحانی در کتاب «الرسائل الاربع» صورت گرفته است. وی به شش قول پیرامون مفاد احادیث «من بلغ» اشاره نموده و پس از نقد شش قول، نظر متفاوت خود را بیان می‌دارد. نگارنده ابتدا آن شش قول را به ضمیمه نظر خاص ایشان - در قالب قول هفتم- به طور مختصر ذکر کرده و سپس وجهی را که تناسب بیشتری با ظاهر روایات دارد، بیان می‌دارد.

۱. از احادیث «من بلغ» حجّیت خبر ضعیف و عدم اشتراط عدالت و وثاقت در باب سنن و مستحبات استفاده می‌شود.

۲. از این روایات استحباب ذاتی عملی را که ثوابی برای آن گفته شده است استفاده می‌کنیم.

۳. از اخبار «من بلغ» استحباب عملی را که برای آن ثوابی بیان شده به عنوان ثانوی «من بلغه» استفاده می‌شود.

۴. مضمون احادیث «من بلغ» ارشاد به حکم عقل است و تنها اعطای ثواب گفته شده - نه استحباب ذاتی عمل و نه استحباب به عنوان ثانوی - استفاده می‌شود.

۵. ز این اخبار رجحان انجام عمل به امید احتمال مطلوبیت - یعنی حسن انقیاد و احتیاط - استفاده می‌شود.

۶. مصداق احادیث «من بلغ» هنگامی است که ما به ثواب داشتن موضوعی یقین داشته باشیم و ثواب آن بسیار زیاد باشد - مثل پاداش ۴۰ سال عبادت برای یک عمل خاص - که با توجه به اخبار «من بلغ» به ثبوت این ثواب عظیم حکم می‌کنیم. (همان)

۷. مراد از این اخبار، نوعی تفضّل خداوند نسبت به بندگان است که اضطراب و شک را از بنده اش دور می‌سازد. زیرا هنگامی که مؤمنی روایتی را می‌شنود یا می‌بیند - حتی با وجود اینکه شرایط حجّیت را دارا باشد - شک و تردید دارد که نکند با حکم واقع منافات داشته باشد و شارع با بیان احادیث «من بلغ» شک و تردید او را برطرف نموده و او را مشمول اجر و پاداش خود قرار می‌دهد و لو اینکه آن روایت جعلی باشد.

به نظر نگارنده، آنچه از ظاهر این احادیث می‌توان برداشت کرد، صحّت قول اول است زیرا:

۱. تصریح به «ثواب» در این اخبار - مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ - ظهور در روایات سنن و مستحبات دارد.

۲. از عمومیت و اطلاق عبارت «مَنْ بَلَغَهُ» و عدم مقید شدن آن، درمی‌یابیم: بلوغ خبر و حدیث، با اسناد ضعیف هم قابل تحقّق است و اسناد حدیث قوی باشد یا ضعیف، در هر دو صورت «بلغ الخبر» بر آن صادق است.

۳. در نسخه‌های دیگر روایات، که بجای واژه «بلغ»، «سمع» آمده، نیز مؤید صحّت این کلام است که در صورت شنیدن صرف حتی با اسناد ضعیف نیز با واژه «بلغ» یا «سمع» تعبیر می‌شود و احتیاجی به اسناد معتبر ندارد.

۴. برداشت مشهور علماء شیعه نیز همین وجه بوده؛ لذا طبق روایات «من بلغ»، قاعده ی «تسامح در ادله ی سنن» را استخراج نموده و برطبق آن فتوا داده اند. (رک: کاشف الغطاء، ۱۳۷۹، ۴۳؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۵۲)

البته بدیهی است که مواردی که دروغ بودن و بدعت بودن عمل، به طور قطع و علم یا ظن معتبر ثابت باشد، قطعاً مشمول این احادیث نیست، و به این شکل این روایات هرگز نمی تواند پشتوانه قبول روایات جعلی بشود. (بهای، ۱۳۷۴، ۳۸)

بنابر مطالب ذکر شده، از احادیث «من بلغ»، می توان استفاده کرد که در موضوع عزاداری، سخت گیری سندی لازم نیست. بر این اساس اگر شخصی با توجه به احادیث سوگواری، به قصد قربت و رجا عزاداری کند، ثواب آن عمل به او می رسد ولو این که شخص، سند احادیث سوگواری را بررسی نکرده باشد.

۱-۲. تواتر اجمالی روایات سوگواری و اعتبار آن

در اصطلاح اهل حدیث، این واژه، بیان گر گزارش شدن زیاد یک خبر است به صورتی که از طریق آن اطمینان به آن خبر حاصل شود. خبری که از این ویژگی برخوردار است، متواتر نامیده می شود، گویی این خبر پی در پی آمده است، یا متواتر خوانده می شود به این معنا که پی در پی گزارش شده است. (فضلی، ۱۴۱۴، ۷۱)

در خبر متواتر شرط است که سلسله روایان آن تا معصوم در هر طبقه به تعدادی باشد که امکان توافق عمدی آن ها بر نسبت دادن دروغ به طور عادی محال باشد و خبر آن ها موجب علم و یقین به مضمون حدیث گردد. (شهید ثانی، بی تا، ۶۲؛ سبحانی، ۱۴۱۲، ۳۶) حاصل شدن یقین بعد از تحقق شرایط خبر متواتر، از نظر همه دانشمندان و محدثان، مسلم است و به تعبیر شیخ طوسی، شک ورزیدن نسبت به حصول علم از طریق خبر متواتر مانند شک کردن سوفسطائیان درباره وجود جهان است. (طوسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۲۴۳)

بیشتر اندیشمندان، خبر متواتر را به لفظی و معنوی تقسیم کرده اند؛ در متواتر لفظی، گزارش گران مضمونی را در قالب یک لفظ گزارش می دهند، اما در متواتر معنوی یک مضمون در قالب کلام های مشابه با الفاظ مختلف بیان می شود. برای متواتر لفظی، به بخشی از حدیث غدیر و حدیث ثقلین مثال زده اند. (عتر، ۱۴۱۲: ۴۰۶؛ میرزای قمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۴۲۶؛ خوند خراسانی، بی تا، ص ۷۰)

نتیجه رجالی پذیرش اخبار متواتر این است که در این گونه احادیث، بر خلاف سایر روایات، ویژگی های راوی، از جمله ضعف، مانع از قبول آن نمی گردد و بنابراین ضعف سند برخی از روایات متواتر، اعتبار آن ها را مخدوش نمی کند. (قاسمی، ۱۴۲۲، ۱۵۱)

علامه سید محمد حسین بروجردی در تعریف قسم چهارم تواتر بیان می دارد: «قسم چهارم، تواتر آن است که همه این ها یک معنا هم نیستند و هر کدام معنایی دارند ولیکن وقتی همه این ها را کنار هم می گذاریم یقین حاصل می گردد که بعضی از این ها از امام صادر گردیده است و آن مقدار مشترک شان به تواتر نه خصوصیاتش ثابت می شود. این سنخ از تواتر را زیاد داریم». (صافی گلپایگانی، ۱۳۳، ش ۱، ۲۱۳)

با توجه به مطالب بیان شده، شایسته است بدانیم: در کتاب شریف «کامل الزیارات»، ده باب (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۰، ۸۳، ۸۸، ۹۳، ۹۹، ۱۰۴، ۱۰ و ۱۰۸) ، در کتاب «عوامل العلوم»، بیست و یک باب (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ۴۵۵، ۴۶۶، ۴۲، ۴۴، ۴۸۱، ۴۸۸، ۴۹۶، ۴۸۹، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۱۰، ۵۲۵، ۵۳۶)، در کتاب «وسائل الشیعه»، دو باب (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴، ۵۰۲ و ۵۹۴)، کتاب «مستدرک الوسائل» دو باب (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ۳۱۲، ۳۸۶)، کتاب «جامع احادیث الشیعه»، چهار باب (بروجردی، ۱۳۸۶ش، ج ۱۲، ۴۵، ۵۶۱، ۵۶۴)، مربوط به عزاداری معصومان بوده و هر باب آن، حاوی چندین روایت می باشد. به عنوان نمونه باب سی و چهارم از جلد چهل و چهارم کتاب شریف «بحار الانوار» با عنوان «ثواب البكاء علی مصیبت و مصائب سائر الأئمة: و فیه أدب المأتم یوم عاشوراء»، حاوی ۳۸ حدیث است که فقط در بیان ثواب و فضیلت عزاداری می باشد. (رک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ۲۸، ج ۴۵، ۲۰۱، ۲۲۰، ۲۳۳، ۲۴۲)

برخی از دانشمندان شیعه، به متواتر بودن روایات سوگواری، تصریح کرده اند از قبیل: میرزا ابوالفضل طهرانی (طهرانی، ۱۴۲۹، ۴۸۳) حاج شیخ عباس قمی (قمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۱۰۵۹) سید عبدالحسین شرف الدین (شرف الدین، ۱۹۸۱، م، ۸۵) و مرجع عالیقدر آیت الله صافی گلپایگانی (صدری، ۱۳۹۰، ج ۱، ۸۳)

علماء اهل سنت نیز در کتاب های خود، برخی روایات عزاداری را معتبر دانسته و آن را نقل کرده اند. (رک: حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ۱۷۶-ج ۴، ۴۶۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۲ ص ۱۲۳؛ ابن حجر مکی، ۱۹۶۵، م، ۱۹۲ و ۱۹۳)

۱-۳. حجیت خبر واحد در مسایل اعتقادی، تاریخی

با توجه به اینکه برخی روایات عزاداری جنبه اعتقادی یا تاریخی دارد، مناسب است بگوییم: حجیت روایات آحاد در حوزه اعتقادات، از تأثیر گذارترین مباحث در حوزه های اسلامی است که سبب رویکرد متفاوت در شیوه و روش مراجعه به متون دینی می شود. بین فقها اختلافی مطرح است به اینکه آیا از ادله حجیت خبر واحد می توان استفاده کرد که خبر واحد در غیر روایات فقهی هم حجّت است یا خیر؟ برخی اقوال موافقان حجیت مطلق خبر واحد همراه با دلایل آن ها عبارت است از:

۱. آیت الله خوبی بیان می‌دارد: اگر دلیل حجیت خبر واحد سیره ی عقلا باشد، عمومیت دارد و سیره عقلانیه بر این است که به خبر ثقه عمل می‌کنند، چه در موضوعات و چه در احکام، چه در قضایای فقهی و چه غیر فقهی؛ اما اگر ادله حجیت خبر واحد را آیات و روایات قرار دادیم، چه بسا استفاده شود که خبری که مربوط به مقام عمل است، فقط حجیت دارد و شامل احادیث تاریخی، اعتقادی و تفسیری نمی‌شود. (توحیدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۳۶)

۲. آیت الله فاضل لنکرانی می‌گوید: «ملاک حجیت اخبار آحاد، یا بناء عقلا است - که دلیل اصلی اصولیان است - یا ادله شرعی تبعیدی که همان آیات و روایات است. در هر دو صورت، ملاک حجیت اخبار مطلق است؛ یعنی هم شامل احکام عملی فقهی می‌شود و هم شامل مسائل غیرفقهی و مواردی که دارای اثر عملی نیست: اگر مدرک حجیت را بنای عقلا دانستیم، با ملاحظه اینکه عقلا اعتمادشان بر خبر واحد فقط در مواردی نبوده است که بر آن اثر عملی مترتب می‌شده و بین این‌گونه موارد و جایی که اثر عملی نداشته فرقی نمی‌نهادند و در همه موارد با آن همانند قطع عمل می‌نموده‌اند، دیگر جایی برای منحصر نمودن حجیت خبر واحد در خصوص مواردی که دارای اثر عملی باشد باقی نمی‌ماند و باید پذیرفت که روایات در باب تفسیر به طور مطلق، یعنی بدون توجه به اینکه مربوط به آیات احکام باشند یا غیر احکام، از اعتبار و حجیت برخوردارند و ... اگر مستند و ملاک حجیت خبر واحد را ادله شرعی تبعیدی (آیات و روایات) دانستیم، باز می‌گوییم: ظاهر این ادله عدم اختصاص به مواردی است که اثر عملی داشته باشد؛ چون در هیچ‌یک از ادله موردنظر سخن از حجیت به میان نیامده است تا با تفسیر آن به «منجزیت و معذرت» بتوانیم آن را به موارد تکلیف و عمل اختصاص دهیم». (رک: فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸، ۱۴) گرچه موضوع بحث ایشان امکان بهره‌مندی از اخبار آحاد در تفسیر قرآن است، اما مبانی پذیرفته شده در نزد ایشان، شامل مباحث کلامی نیز می‌شود.

۳. آیت الله معرفت در مقام رد استدلال علامه طباطبائی بر عدم اعتبار خبر واحد در کشف معانی قرآن، بیان می‌دارد: «اعتبار خبر واحد ثقه جنبه تبعیدی ندارد، بلکه از دیدگاه عقلا جنبه کاشفیت ذاتی دارد که شرع نیز آن را پذیرفته است. بنای انسان‌ها بر آن است که بر اخبار کسی که ثقه است ترتیب اثر دهند و همچون واقع معلوم با آن رفتار کنند و این نه قراردادی است و نه تبعید محض، بلکه همان جنبه کاشفیت آن است که این خاصیت را به آن می‌بخشد... از این‌رو، اعتبار خبر واحد ثقه نه مخصوص فقه و احکام شرعی است و نه جنبه تبعیدی دارد، بلکه اعتبار آن عام و در تمامی مواردی است که عقلا، از جمله شارع، کاربرد آن را پذیرفته‌اند. بر این اساس، اخبار عدل ثقه از بیان معصوم، چه درباره تفسیر قرآن و چه دیگر موارد، از اعتبار عقلایی مورد پذیرش شرع برخوردار است و کاشف و بیانگر بیان معصوم است و حجیت دارد و همانند آن است که شخصا و مستقیما از معصوم تلقی شده باشد». (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۶، ۶؛ ناصح، ۱۳۸۲، ش ۱، ص ۴۹-۶۴) گرچه موضوع بحث ایشان نیز امکان بهره‌برداری از روایات آحاد در تفسیر آیات است، اما از مبانی پذیرفته شده در بحث می‌توان به عقیده ایشان در موضوع بحث این نوشتار که امکان بهره‌مندی از روایات آحاد در مسائل اعتقادی - هرچند غیر تفسیری - است پی برد.

در نهایت موید حجیت خبر ثقه در مطلق مسائل فقهی، اعتقادی و تفسیری، روایاتی است که معصومان برخی از روایان را همچون زکریا بن آدم را به طور مطلق مورد قبول و تأیید خود، قرار داده است به گونه‌ای که بر مؤمنان لازم است «معالم دین» خود را از آنان اخذ کنند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۱۴۶)

حال به دلیل آنکه دایره معالم دین، فقط منحصر در احکام شرعی و فقهی نیست و شامل همه معارف دینی از قبیل مسائل اعتقادی، تفسیری، فقهی، تاریخی و مانند آن می‌شود، پس می‌توان نتیجه گرفت کلیه اخبار واحد روایان ثقه در زمینه‌های فقهی و غیرفقهی مورد قبول امام معصوم قرار گرفته است و دیگران نیز باید به روایات آنان مراجعه کنند. (عزیزان، ۱۳۸۷، ش ۱۳۲، ۱۳۸)

۱-۴. نقل بسیاری از احادیث سوگواری از کتاب معتبر کامل الزیارات

بیشتر روایات ثواب سوگواری از کتاب کامل الزیارات نقل شده که از کتب بسیار معتبر شیعه است و نویسندگانی آن؛ ابن قولویه، در مقدمه ی کتابش به وثاقت همه ی روایانی که در اسناد آن واقع شده اند، تصریح کرده است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳)

برخی از دانشمندان رجال شناس شیعه، تمام روایانی که در اسناد کتاب «کامل الزیارات» واقع شده را موثق می‌دانند. (خوبی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۵۰)

۱-۵. ذکر نمونه ای از اخبار با سند صحیح پیرامون ثواب سوگواری

۱-۵-۱. حدیث «ریان بن شبيب»

شیخ صدوق از استاد خود «محمد ماجیلویه» از «علی بن ابراهیم» از «پدرش» از «ریان بن شبيب» نقل میکند: در اولین روز محرم خدمت امام رضا رسیدم، حضرت بعد از سخنانی فرمود: ای پسر شبيب! اگر می‌خواهی گریه کنی، بر حسین بن علی گریه کن، زیرا او را همچون گوسفند ذبح کردند و از بستگانش، هیجده نفر به همراهش شهید شدند که در روی زمین نظیر نداشتند... ای پسر شبيب! اگر به گونه‌ای بر حسین گریه کنی که اشک هایت بر گونه‌هایت جاری شود، خداوند هر گناهی که مرتکب شده باشی خواهد بخشید.

این روایت در امالی شیخ صدوق (ابن بابویه، ۱۳۶، ۱۳۰)، اقبال الاعمال (ابن طلوس، ۱۴۰۹، ج ۲، ۵۴۵)، وسائل الشیعه (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ۵۰۲)، بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ۲۸۶) و عوالم العلوم (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ۵۳۹) نیز نقل شده است.

اینک وثاقت رجال سند این حدیث را مورد واکاوی قرار می‌دهیم:

الف). وثاقت «شیخ صدوق»:

بزرگی شخصیت وی آن چنان است که دانشمندان معروف اسلامی - اعم از شیعه و سنی - هر جا به نام وی رسیده اند، زبان به مدح او گشوده و او را به بزرگی و با لقب های بلند و عبارت های پر معنا نام برده اند. از جمله شیخ طوسی در کتاب رجال و فهرست نوشته است: «صادق، بزرگوار و حافظ احادیث، ناقد اخبار و نسبت به رجال دانا بود. در بین دانشمندان قم شخصیتی به قدرت حافظه و زیادی دانش او یافت نشده است». (طوسی، ۱۴۱۷، ۲۳؛ همو، ۴۱۵ ق، ۴۳۹)

نجاشی نوشته است: «صدوق، شیخ و فقیه ما، چهره معروف شیعیان در خراسان بود در سال ۳۵۵ در سنین جوانی به بغداد سفر کرد و بزرگان آنجا در محضر او استفاده بردند.» (نجاشی، ۱۴۱۶ ق، ۳۸۹)

محمد بن ادریس نیز در کتاب «سراثر» آورده است: «دانشمند بزرگوار و مورد اطمینان، متخصص اخبار، ناقد آثار، عالم به رجال و حافظ بزرگ حدیث بود، او استاد پیشوای ما شیخ محمد بن نعمان است. (ابن بابویه، ۱۳۶۱، مقدمه؛ به نقل از قمی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۲۲) سید ابن طاووس او را این گونه توصیف کرده است: «شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، کسی که دانش و درستکاری او مورد اتفاق و در گفتار مورد اطمینان کامل است. (همان)

شیخ اسد الله شوشتری در کتاب مقابسات الانوار آورده است: «صدوق، رئیس محدثین، زنده کننده اساس دین، دارنده فضائل و مکارم او و برادرش به دعای امام عسکری و ولی عصر به دنیا آمده اند. (همان)

علامه مامقانی در کتاب تنقیح المقال نگاشته است: «محمد بن علی بن بابویه، مردم از فقاها و فقهاء از احادیث او بهره جسته اند و دانشمندان از او یاد کرده و بر او درود فرستاده اند.» (مامقانی، ۱۳۹۲، ج ۳، ۱۵۳)

این توصیف ها اختصاص به عالمان شیعه مذهب ندارد بلکه اندیشمندان اهل سنت نیز زبان به مدح او گشوده اند از قبیل: خیر الدین زرکلی که در کتاب معروف «الاعلام» می نویسد: «محمد بن علی بن حسین، معروف به شیخ صدوق، مانند او در بین اندیشمندان قم یافت نشده است. در ری اقامت داشت و در منطقه شرق و خراسان مقام بزرگی داشت در شهر ری وفات کرد و در همان جا به خاک سپرده شد و حدود ۳۰۰ کتاب، تالیف کرده است.» (زرکلی، ۱۳۸۹، ج ۶، ۲۴)

ب). وثاقت «محمد بن علی، مَاجِیلَوِیَه»

در کتاب های رجال دو شخص به مَاجِیلَوِیَه معروف اند؛ اولی: «محمد بن عبیدالله بن عمران البرقی» و دومی: «محمد بن علی بن محمد بن عبیدالله بن عمران البرقی». در واقع اولی، عموی دومی است. (خوبی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۵۵)

در مورد «مَاجِیلَوِیَه اول» نجاشی وی را با لقب «بُندار» و با صفات بزرگ اصحاب قمیین، ثقه، عالم و فقیه تعریف می نماید. (نجاشی، ۱۴۱۶، ۳۵۳) اما مَاجِیلَوِیَه دوم - برادر زاده - در کتب رجال، توثیق صریحی نسبت به او وارد نشده است. لکن می توان از اینکه جزء مشایخ صدوق بوده بر وثاقت او استدلال کرد، کما این که آیت الله خوبی نیز به این مطلب اشاره فرموده و بیان داشته که صدوق از وی کثیر النقل است. (خوبی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۵۵)

آیت الله شبیری زنجانی درباره وی فرموده است: «صَحّت روایات محمد بن علی ماجیلویه جای تردید نیست، به ویژه با توجه به این که وی از مشایخ عمده صدوق بوده و در طریق وی به کتب و روایات بسیاری از راویان واقع است، مهمترین استاد صدوق، پدرش و پس از وی ابن ولید بوده و از این دو که بگذریم نوبت به امثال محمد بن علی ماجیلویه می رسد، پس در وثاقت وی تردید نیست.» (رک: دروس خارج فقه؛ النکاح، درس ۳۳۱ به نقل از سایت رسمی ایشان؛ <https://zanjani.ir>)

ج). وثاقت «علی بن ابراهیم هاشمی»

نجاشی در رجالش وی را ثقه، ثبت، معتمد، صحیح المذهب و ... معرفی نموده است. (نجاشی، ۱۴۱۶ ق، ۲۶۰) علامه حلی و ابن داود نیز از تعابیر نجاشی برای او استفاده نموده اند (ابن داود، ۱۳۹۲ ق، ۲۳؛ حلی، ۱۴۱ ق، ۱۰۰) آیت الله خوبی نیز وی را از مشایخ کلینی دانسته و برخی از روایاتش را در کتاب کافی ذکر می نماید. (خوبی، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ۲۱۳)

د). وثاقت «ابراهیم بن هاشم قمی»

نجاشی در رجالش از قول «کشی» نقل می کند: «وی از اصحاب امام رضا و شاگرد یونس بن عبدالرحمن بوده و اصحاب شیعه در مورد وی گویند که او اولین کسی بود که حدیث کوفیین را در قم نشر داد.» (نجاشی، ۱۴۱۶، ۱۶)

بسیاری از عالمان و بزرگان او را موثق دانسته اند و به عدالت او تصریح نموده اند. برخی از عالمان متقدم اسلام، بدان جهت که کلام صریحی در مدح او به دستشان نرسیده است، حدیث او را «حسن» خوانده اند. سید بن طاووس در روایتی که در سندش ابراهیم است، می فرماید: «راویان این حدیث، همگی از موثقین هستند.» (ابن طاووس، ۱۳۷۷، ۱۵۸)

این قولویه در اسناد کتاب «کامل الزیارات»، وثاقت تمام کسانی را که راوی احادیث این کتاب اند که از جمله آن ها ابراهیم می-باشد، گواهی می دهد. (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ۳۱)

علامه حلی در این مورد می نگارد: «من هیچ یک از اصحاب را نیافتم که او را مذمت کرده باشد و نیز کسی که به عدالت او تصریح کرده باشد. روایات او بسیار است و ارجح قبول آن است». (حلی، ۱۴۱۷ق، ۱۳۸)

شهید ثانی حدیث ابراهیم را از بالاترین و بهترین مراتب «حسن» می داند و طریق روایی او را از بهترین راه ها می شناسد. (شهید ثانی، ۱۴۳۰ق، ۵۰) از شیخ بهایی بیان شده که وی از پدر بزرگوارش نقل کرد که می گفته است: «من از آن شرم دارم که حدیث ابراهیم را صحیح ندانم». (مامقانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ۴۰) از عبارات محقق اردبیلی و محقق بحرانی نیز بر می آید که ابراهیم را از زمره موثقین می دانسته-اند. (آقاجانی، ۱۳۸۰، ش ۱۴، ۱۲) علامه مجلسی نیز روایات او را حسن اما در مرتبه صحیح، معرفی می-کند. (همان)

علامه بحرالعلوم می فرماید: «قول صحیح تر نزد من آن است که او ثقه و حدیثش صحیح است». (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۱، ۴۶۲) مرحوم سید داماد پس از آن که روایات ابراهیم را از دیدگاه علمای پیشین، نزدیک و تالی درجه ی صحت می داند. (همان)

آن چه گذشت، معانی بلندی بود که از سوی عالمان شیعی در وصف شخصیت و وثاقت او نگاشته شده است. به نظر نگارنده، با مراجعه به کتاب های رجال می توان شواهد بسیاری بر صحت روایات و وثاقت ابراهیم بن هاشم به دست آورد، (رک: بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۱، ۴۶۳؛ مامقانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ۴۱؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۳۱)

ی. وثاقت «ریان بن شیبب»

ریان بن شیبب، از محدثان مورد وثوق شیعه و از اصحاب امام رضا و امام جواد است. وی به گفته نجاشی دایی «معتصم» - خلیفه ی بنی عباس- بوده که خواهرش «مارده» - از کنیزان هارون و مادر معتصم - بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۶۵) برخی نیز مانند مسعودی در اثبات الوصیه ی وی را دایی مأمون ذکر کرده-اند. (مسعودی، ۱۳۸۴ش، ۲۲۳)

ابن شیبب، در شهر قم اقامت کرد و محدثان آن شهر از او روایت نقل کرده-اند. او از حضرت رضا روایاتی را - از قبیل مسائل صباح بن نصر هندی - نقل و جمع نموده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۶۵؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۹، ۲۱۶)

کشتی در رجالش (طوسی، ۱۴۰۴ق، ۶۰۹)، علامه حلی در خلاصه الاقوال (حلی، ۱۴۱۷، ۱۷)، و ابن داوود در رجال خود (ابن داود، ۱۳۹۲، ۱۵۴) وی را توثیق کرده اند.

۱-۵-۲. حدیث «فضیل بن یسار»

خالد برقی در کتاب خود محاسن از «یَعْقُوبَ بْنَ یَزِيدَ» از «مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي عُمَيْرٍ» از «فُضَيْلَ بْنَ یَسَارَ» از حضرت صادق نقل میکند که فرمود: «کسی که نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشک بیاید اگر چه به قدر بال مگسی باشد گناهانش آمرزیده می شود و لو به اندازه ی کف دریا باشد». این روایت در المحاسن (برقی، ۱۴۱۳، ج ۱، ۶۳)، «کامل الزیارات» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۲۰)، بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ۲۸۵) و «المستدرک» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۰، ۳۱۲) نقل شده است.

در سند این روایت چهار نفر واقع شده که به توثیق آن ها می پردازیم:

الف. وثاقت «احمد بن محمد بن خالد برقی»

نجاشی می گوید: او با اینکه از افراد ضعیف روایت نقل کرده و به روایات مرسل تمسک داشته مورد اعتماد است. (نجاشی، ۱۴۱۶، ۶) شیخ طوسی نیز وی را از شاگردان امام جواد و امام هادی دانسته است. آن بزرگوار در کتاب فهرست، برقی را ستایش کرده، طریق خود را به روایت او ذکر می نماید. (طوسی، ۱۴۱۷، ۶۲)

ابن داود او را در قسمت کسانی که مورد اطمینان هستند - قسمت اول - ذکر نموده و او را در نقل حدیث قابل اعتماد می داند. (ابن داود، ۱۳۹۲، ۴۳) علامه وحید بهبهانی در پاسخ به انتقاد مرحوم نجاشی - وی از افراد ضعیف حدیث نقل می کرد و بر روایات مرسل اعتماد داشت- می نویسد: «مورد اعتماد بودن برقی مسلم است و آن چه برخی منتقدان گفته اند برای ما ثابت نشده، حتی بر فرض که او از ضعیفان روایت نقل کرده باشد، می توان گفت: روش او در نقل حدیث صحیح نبوده است. علاوه بر این، گروهی از علما و دانشمندان، این روش را مذموم می دانند نه تمام آن ها، به همین جهت بزرگان قم و برخی دیگر از احمد بن محمد، بسیار روایت نقل می کردند. این نشان می دهد که آن ها دأب او را می پسندیدند. (استرآبادی، بی تا، ۱۹)

به نظر نگارنده باید در تأیید گفتار آیت الله بهبهانی افزود که بسیاری از افراد موثق از افراد ضعیف روایت نقل کرده اند و این امر هرگز در عظمت و صداقت آنها خللی ایجاد نمی کند. علاوه بر این قبول احادیث مرسل، نوعی روش رجالی و دأب علمی است که در علم رجال مورد بحث قرار گرفته است و به این

جهت حتی ابن غضائری - که افراد بسیاری را مورد انتقاد قرار می دهد - احمد برقی را توثیق کرده و می گوید: طعن قمیین مربوط به کسانی است که احمد از آنها نقل حدیث کرده است. (برقی، ۱۴۱۳، ۱۵)

ب). وثاقت «یعقوب بن یزید انباری»

نجاشی می نویسد: «یعقوب بن یزید بن حماد انباری از امام جواد روایت کرده و مردی «ثقه و راستگو» است. (نجاشی، ۱۴۱۶، ۴۵۰)

شیخ طوسی در کتاب «الفهرست» می نگارد: «او ثقه بوده و نقل روایتش بسیار است». (طوسی، ۱۴۱۷، ۲۶۴) در کتاب رجال او را گاه از شاگردان امام رضا و گاه از یاران امام هادی شمرده و تصریح نموده است که ایشان و پدرش هر دو موثق بوده اند. (طوسی، ۱۴۱۵، ۳۶۹؛ همان، ص ۳۹۳)

ج). وثاقت «محمد بن ابی عمیر»

نجاشی درباره او می گوید: «اصالت او بغدادی است. زمان امام کاظم را درک کرده و از آن حضرت و امام رضا روایت شنیده است. در برخی از روایات حضرت کاظم او را با کنیه «ابا محمد» خوانده است. وی یک شخصیت جلیل القدر، دارای مرتبه بالا در میان ما و اهل سنت است. (نجاشی، ۱۴۱۶، ۳۲۶)

شیخ طوسی در «الفهرست» می نویسد: «وی نزد شیعه و اهل تسنن، شخصی موثق و متقی است». (طوسی، ۱۴۱۷، ۲۱۸)

د). وثاقت «فضیل بن یسار»

شیخ کشی در فضل و بزرگی این فقیه چنین می گوید: تمام عالمان و دانشمندان شیعه بر عدالت و وثاقت «فضیل» اتفاق داشته و احادیث او را صحیح می دانند و او را از فقیه ترین یاران امام باقر و امام صادق دانسته اند. (طوسی، ۱۴۰۴، ۲، ۵۱۷)

شیخ مفید، وی را در زمره ی فقیهان شیعه قرار داده و می گوید: از عالمانی بوده که شیعیان برای یادگیری احکام دین به او وامثال او مراجعه می نمودند. (خونی، ۱۴۱۰، ج ۱۳، ۳۳۵)

نجاشی می نگارد: فضیل بن یسار اصالتاً عرب و از اهل بصره بوده و چهره ی موجهی است که از امام باقر و امام صادق نقل روایت می کند. (نجاشی، ۱۴۱۶، ۳۱۰)

شیخ طوسی در رجال خود به وثاقت او تصریح کرده است. (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۳۴)

علامه حلی نیز او را فقیهی موجه، و محدثی بسیار جلیل القدر دانسته است. (حلی، ۱۴۱۷، ۲۰۴)

بنابراین جمیع ناقلان این حدیث، امامی و مورد اطمینان بوده و این روایت جزء احادیث صحیح درج می گردد.

علاوه بر آن همانطور که ذکر شد یکی از شواهدی که برقبول روایت نزد قدما دلالت می کند، وجود حدیث در یکی از کتابهای مشهور یاران ائمه است. اکنون می گوئیم این روایت در کتاب «النوادر» ابن ابی عمیر ذکر شده که از کتب معتمد نزد اصحاب شیعه است. (طوسی، ۱۴۱۷، ۲۱۸؛ نجاشی، ۱۴۱۶، ۳۲۶)

۱-۵-۳). حدیث «معاویه بن وهب»

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلُوَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبِ الزَّرَّادِ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: «هَرَجَ جَزَعٌ - بِي - تَائِي - وَ غَرِيهَ اِي نَاطِسِنْدَ اسْتِ مَكْرَ بَرَايَ حَسِينِ». این روایت، را شیخ طوسی در «امالی» (طوسی، ۱۴۱۴، ۱۶۲) علامه مجلسی در «بحار الانوار» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۲۸۰) و حرّ عاملی در «وسائل الشیعه» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ۵۰۵) ذکر نموده اند.

در سند این روایت چهار شخص واقع شده که به توثیق آن ها می پردازیم:

الف). وثاقت «شیخ مفید»

نجاشی در رجال خود، وی را با عنوان «محمد بن محمد بن نعمان» ذکر کرده و می گوید: «فضل او فراتر است از این که در وثاقت و دانش، فقه، کلام، روایت، توصیف شود. (نجاشی، ۱۴۱۶، ۳۹۹)

شیخ طوسی که افتخار شاگردی او را دارد می نویسد: «محمد بن محمد بن نعمان، معروف به ابن المعلم، از متکلمان شیعه است که مرجعیت و ریاست امامیه در عصر خویش به او منتهی گردید. وی در فقه و کلام بر هر دانشمندی مقدم بود و حافظه ی خوب و ذهنی دقیق داشت و در پاسخ به سوالات، حاضر جواب بود. او بیش از ۲۰۰ جلد کتاب کوچک و بزرگ دارد. (طوسی، ۱۴۱۷، ۲۳۸)

ب). وثاقت «ابن قولویه»

نجاشی، درباره ی او چنین می گوید: «هر زیبایی و دانش و فقهی که مردم با آن وصف کردند، ابن قولویه برتر و فوق آن است». (نجاشی، ۱۴۱۶، ۱۲۳)

شیخ طوسی در «الفهرست» می نویسد: ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، شخصی مورد اطمینان بوده و دارای نگاشته های فراوان، به تعداد ابواب فقه است. (طوسی، ۱۴۱۷، ۹۱)

علامه حلی نقل می کند: ابوالقاسم از علماء مورد وثوق و ارزشمند در حدیث و فقه می باشد. (حلی، ۱۴۱۷، ۹۱)

این طاووس در توصیف وی می گوید: راوی صادقی بوده که تمام بزرگان بر امانت داری او اتفاق دارند. (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ج ۱، ص ۳۴) ابن حجر عسقلانی از علمای اهل سنت، او را از بزرگان و علمای مشهور شیعه می داند. (عسقلانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۲۵)

ج. وثاقت «محمد بن قولویه»

ابوجعفر محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه قمی، پدر ابن قولویه محدث والامقام و از مهترین ناقلان حدیث شیعه در سده های سوم و چهارم هجری است. شیخ مفید در شعری که در معرفی استادش سروده او را فرزند صالح و مورد اعتماد دانسته است. (علیاری تبریزی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۳۷) نجاشی در رجالش، او را از یاران خوب سعد بن عبدالله اشعری قمی برشمرده است. (نجاشی، ۱۴۱۶، ۱۲۳) آیت الله خوبی در «معجم رجال الحدیث» می نویسد: «پسرش جعفر از او روایات بسیاری در کامل الزیارات نقل کرده است و این در حالی بوده که او خود را ملزم می دانسته که در این کتاب به جز از معتمدان، به نقل روایت نپردازد». سپس گوید: این دلیل خوبی بر ثقه بودن او است. (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۱۷، ص ۱۶۷)

د. وثاقت «سعد بن عبدالله»

شیخ طوسی می نویسد: «سعد نزد بزرگان امامیه، محدثی معتبر به شمار می آید. او محدثی جلیل القدر، ثقه، راوی اخبار و مؤلف چند کتاب است». (طوسی، ۱۴۱۷، ۷۵) شیخ طوسی نیز از «سعد» به نیکی یاد کرده و می گوید: «سعد از یاران امام عسکری و معاصر آن حضرت بوده، ولی به روایتش از امام دسترسی ندارم». (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۹) به همین دلیل شیخ، نام سعد را در ردیف کسانی آورده است که از ائمه ی معصومان روایت نقل نکرده اند. (همان، ص ۴۲۷) نجاشی می نویسد: «ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری، فقیه و محدثی والامقام، مورد اطمینان، از بزرگان و استادان خاندان اشعری بوده است». (نجاشی، ۱۴۱۶، ۴۳۹) آنگاه نجاشی به فهرست کتاب های او پرداخته، می نویسد: «سعد حدود ۳۶ تألیف دارد». (همان) بسیاری از رجالون از قبیل شیخ کشی، علامه مجلسی، علامه حلی نیز از «سعد» به نیکی یاد نموده اند. (طوسی، ۱۴۰۴، ۵۲۸؛ مجلسی، ۱۳۷۸، ص ۵۹؛ حلی، ۱۴۱۷، ص ۷۸)

ه. وثاقت «أحمد بن محمد بن عیسی»

وی فرزند محمد بن عیسی است که در نظر بزرگان امامیه شخصیتی جلیل القدر شمرده می شود. قدیمی ترین اظهار نظر پیرامون او، توسط احمد بن علی بن نوح سیرافی؛ استاد نجاشی است که در جواب نامه ی نجاشی نوشته است: «از طریق من به کتاب های حسن بن سعید اهوازی سؤال کردی؟ در جواب باید بگویم آنچه مورد اعتماد اصحاب شیعه است همان است که احمد بن محمد بن عیسی نقل نموده است». (رک: نجاشی، ۱۴۱۶، ۸۱) نجاشی درباره ی او می نگارد: «احمد بن محمد بن عیسی که رحمت خدا بر او باد از دانشمندان اهل قم است. او رئیس و فقیه بی نظیر شیعه بوده که با حاکمان قم رابطه داشت و به خدمت سه امام - امام رضا و امام جواد و امام هادی - رسیده است». و در ادامه ی سخن، به نه کتاب از تالیفات او اشاره می نماید. (همان) علامه حلی نام او را در قسمت اول کتاب خود - کسانی که به آن ها اعتماد دارد - ذکر کرده و همانند نجاشی او را به نیکی توصیف می کند. (حلی، ۱۴۱۷، ۱۷)

و. وثاقت «حسن بن محبوب»

برقی در رجال خود می گوید: حسن، پسر محبوب و جدش، وهب نام داشته و کنیه اش ابو علی و لقب وی «سراد» یا «زراد» است. (برقی، ۱۳۴۲، ۳۸ و ۴۸) علامه مجلسی او را راوی و فقیه بزرگ شیعه دانسته و از یاران امام کاظم، امام رضا و امام جواد برشمرده است و گوید: رجال-شناسان و محدثان متقدم و متأخر در وثاقتش متفق اند. (مجلسی، ۱۳۷۸، ۵۹) کشی وی را یکی از اصحاب اجماع - یکی از شش فقیه برجسته از یاران امام کاظم و امام رضا - می شمارد که به گفته او، طایفه ی امامیه بر صحت احادیث و فقاهتشان اجماع دارند. (طوسی، ۱۴۰۴، ۵۵۶) طبق بررسی آیت الله خوبی، او علاوه بر چند حدیث که بی واسطه از امام کاظم و امام رضا روایت کرده، از ۱۸۸ راوی، حدیث شنیده است که ۶۰ تن از آنان از یاران امام صادق بوده اند. همچنین نام او در طریق نزدیک به سه هزار حدیث از کتب اربعه ی امامیه دیده می شود. (خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۸۹-۹۵)

بنابر تحقیق آیت الله مامقانی برخی از علماء شیعه، همانند شهید ثانی و محقق سبزواری، عقیده داشتند که وی مانند محمد بن ابی عمیر جز از راویان ثقه، حدیث مرسل را نقل نمی کند، و این والاترین درجه و میزان اعتماد به راوی است. (مامقانی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۳۶۰)

ی. وثاقت «ابی محمد انصاری»:

نجاشی در رجالش از او با عنوان «عبدالله بن حماد انصاری» و با تعبیر «شیوخ اصحابنا» یاد نموده است. (نجاشی، ۱۴۰۶، ۵۶۸) به نظر نگارنده تعبیر نجاشی به «مشایخ اصحاب امامیه» دلالت بر وثاقت او دارد؛ زیرا رجال شناسان قدیم هنگامی از این تعبیر استفاده می نمایند که راوی به قدری معروف است که بی نیاز از توثیق باشد و به عبارت دیگر، توثیق کردن او، حد و مرتبه او را پایین می آورد.

شیخ طوسی او را از یاران امام رضا و با عنوان «عبدالله بن ابراهیم» در رجال و فهرست خود، ذکر نموده است. (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۶۲؛ ۱۴۱۷، ۲۹۲)

ه. وثاقت «معاویه بن وهب»

نجاشی می گوید: «ابوالحسن، معاویه بن وهب، عربی الاصل، مورد اعتماد و بر عقیده ی مستقیم بوده و از امام صادق و امام کاظم روایت نقل کرده است. وی کتابی به نام «فضائل الحج» دارد که ابن ابی عمیر از آن حدیث نقل می کند». (نجاشی، ۱۴۱۶، ۴۱۲)

شیخ طوسی، در رجالش، او را از یاران امام صادق برمی شمارد، (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۰۳) و در فهرست می گوید: او کتابی دارد که دانشمندان شیعه از او حدیث نقل کرده اند. (همو، ۱۴۱۷، ۲۴۸)

حاصل واکاوی سند حدیث «معاویه بن وهب» این است که روایان این سند، همگی از روایان موثق شیعه اند و این حدیث بنا بر اصطلاح متأخران، صحیح می باشد.

۲. ارزیابی دلالی

۲-۱. همخوانی احادیث سوگواری با آیات قرآن کریم

در فقه شیعه، احادیثی است با عنوان احادیث «عرض» که بیانگر این است که محتوای احادیث باید بر قرآن عرضه شود تا در صورت عدم تعارض، مقبول واقع شود (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ۸۹) با توجه به این احادیث اگر متن این احادیث سوگواری بر قرآن شریف هم عرضه شود، با روح قرآن همخوانی دارد و هماهنگ است. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که جواز و رجحان سوگواری را اثبات می کند، که در اینجا به سه آیه اشاره می کنیم:

۱. آیه ۱۴۸ سوره نساء؛ «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ»

در این آیه نخست می فرماید: «خداوند متعال بدگویی و افشای عیوب دیگران را دوست ندارد، جز کسانی که به حقوقشان تجاوز شده است که این گونه افراد استثنا شده اند. این فراز، هشداری است به همه ستمگران که خداوند متعال نه تنها به مظلومان اجازه فریاد و افشاگری داده، بلکه چنین فریادی، محبوب ذات اقدس الهی قرار گرفته است.

هر چند ظلم، دارای مراتبی است اما بزرگترین مصداق ظلم، آن است که به حقوقی که خداوند برای برخی از افراد به عنوان ولی و امام قرار داده است تجاوز شود. (مائده/۵۵) روشن است که تعدی به این حق خدادادی، بزرگترین ظلم است زیرا سایر ظلم های فردی و تجاوزات اجتماعی، از آن سرچشمه می گیرد، بنابراین ستیزه با سرپرستی ولی خدا، و سایر ارزش ها، ظلم و ستمی بزرگ و نارواست. بی تردید معصومان از کسانی است که خداوند متعال حق ولایت و حاکمیت برای ایشان قرار داده است و دشمنان آنها از مصادیق طاغوت اند و غاصب ولایت الهی؛ اکنون آیا جامعه اسلامی در برابر چنین حادثه ای اندوهبار و غمناک که در آن فرزندان معصوم و جانشینان پیامبر اکرم را به شهادت رساندند، باید دست روی دست گذاشته و سکوت نماید، یا بر طبق آیه کریمه، باید فریاد برآورد و به افشاگری و بدگویی آشکار و رسوایی ستمگران پرداخت و چهره زشت آنان را روشن نمود و با زبان شعر و مدیحه سرایی و بیان مصایب و گردهمایی های گسترده، برائت و بیزاری از دشمنان خدا را اعلان نمود. به طور یقین فریادها و عزاداری هایی که در این راستا باشد از مصادیق «جهر من القول» است که خداوند متعال آن را دوست دارد و عزاداری های دوست داران معصومان با این هدف مقدس انجام می گیرد و بایستی از هرگونه عزاداری که برخلاف این هدف مقدس باشد، جلوگیری شود. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۲۰۰/۵)

۲. آیه ۲۳ سوره شوری؛ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»

طبق این آیه، خداوند مهربان دوستی نزدیکان پیامبر را بر امت اسلامی فرض دانسته و محبت آنان را پاداش زحمات وی در راه ابلاغ رسالت قرار داده است و این خود حکایت از عظمت رسالت آن حضرت و بزرگی جایگاه اهلیت پیامبر دارد. حال از نشانه های مهم مودت آنان، همدردی و همدلی در سوگ و یا شادی آنان است. در روایات فراوانی بر این نکته تأکید شده است که در جشن و سرور خاندان پیامبر شاد و در اندوه و ماتم آنان اندوهناک باشید از جمله در حدیث ریان بن شیب که بررسی سندی گردید امام رضا می فرماید: «اگر دوست می داری که همنشین ما در بهشت برین باشی در غم و اندوه ما اندوهناک، و در شادی ما شادمان باش (ابن بابویه، ۱۳۶، ۱۳۰) از این رو مودت خاندان پیامبر که همانا پاداش ابلاغ رسالت اوست طلب می کند تا با زبان گفتار و کردار، اشک و اندوه، مرثیه سرایی در سوگ آن عزیزان اندوهناک بود و به یادآوری ویژگی ها و خصلت های الهی شهیدان پرداخت. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۲۸۷/۱۹)

۳. آیه ۸۴ سوره یوسف؛ «يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ»

حضرت یعقوب در فراق فرزند خود دچار حزن و اندوه فراوانی گشت، به طوری که دیدگانش سفید شد و بینایی خود را از دست داد. این آیات، گریه طولانی حضرت یعقوب را از ویژگی‌های مهم زندگی آن حضرت یاد کرده است چنانکه برخی روایات اهل سنت نیز گریه فراوان یعقوب را به عنوان ویژگی خوب ایشان قلمداد نموده است. (فخر رازی، بی تا ج ۱۸، ص ۱۹۳، ذیل آیات ۸۴ و ۸۵) بنابراین از این آیه چنین می‌توان نتیجه گرفت که گریه و اندوه هر چند سالیان درازی طول بکشد مانعی ندارد بلکه مشروع و از ویژگی‌های مثبت به شمار می‌آید. مؤید آنچه گفته شد تمسک و استدلال امام سجاد است که در پاسخ به کسانی که به گریه آن حضرت اعتراض می‌کردند، فرمود: «مگر شما از گریه و عزاداری یعقوب اطلاع ندارید؟ او سالیان طولانی در فراق یوسف گریست تا بینایی خود را از دست داد؛ در صورتی که فرزندش حیات داشت و تنها از جلوه چشمانش ناپدید شده بود اما من با چشمان خود دیدم که پدرم و هفده تن از اهل بیت پیامبر را شهید کرده و سرشان را از تن جدا نمودند!» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ۵۱۸)

با نظری به آیات و روایات مزبور، به راحتی می‌توان استنباط کرد برپایی مجالس عزا و اقسام گوناگون عزاداری، نه تنها با قرآن مخالفت و ناسازگاری ندارد بلکه از مصادیق جهر به ظلم، مودت اهل بیت و الگوگیری از سیره پیامبر می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۳۱۷/۱۱)

ممکن است کسی اشکال کند که این آیات مخصوص به موارد خاصی است و هیچ ربطی به عزاداری‌های یاد شده ندارد و ارتباط آن با آیات روشن نیست. در پاسخ باید گفت: همه مفسران قرآن اتفاق نظر دارند به اینکه قرآن کتابی است که دستورات آن مخصوص یک عصر و زمان خاصی نیست، و اگر در آغاز نزول، موارد ویژه‌ای را نقل و بر موارد خاصی منطبق شده به معنای آن نیست که مخصوص آن عصر یا آن مردم می‌باشد؛ از این رو مفسران شیعه و سنی گفته‌اند حکم آیات را نمی‌توان منحصر به همان مورد ذکر شده در آیه نمود و هر جا موضوع آن محقق شود حکم نیز مترتب می‌گردد. (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۶، ۶)

۲-۲. همخوانی با عقل سلیم

عقل سلیم و فطری به عقلی گفته می‌شود که میان همه انسان‌ها مشترک است و همه انسان‌ها از آن استفاده می‌کنند. این عقل یکی از شرایط تکلیف است و آدمی با دارا شدن این عقل مورد خطاب شارع قرار می‌گیرد و تکالیف اعتقادی و اخلاقی و عملی پیدا می‌کند. ادراک حسن و قبح و لزوم تبعیت از خداوند و پیامبر او و به طور کلی تبعیت از حق و حجیت تکالیف شرعی و حتی حجیت ظهور و خبر ثقه یا موثوق به، همگی بر اساس حکم عقل سلیم است. (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۰۶)

با توجه به تعریف ذکر شده، ثواب مطرح شده در روایات عزاداری و گریه بر معصومان، هیچ تنافی با عقل سلیم ندارد زیرا:

۱. گریه بر معصومان نشان گر محبت به معصومان و عملی جوانحی است، حال اگر این امر ارزشمند در کنار پاکی و صداقت درون باشد، موجب پیوند روح و جان با سالار شهیدان شده، و ما را از گناه و معصیت الهی دور می‌نماید بنابراین جای شگفتی ندارد که مشمول این همه پاداش گردد. در مقابل گریه برای هر امر دیگری پایین تر از ارزش وجودی انسان، مانند امور دنیوی، آدمی را کوچک کرده و به همین دلیل، شایسته و ارزشمند نخواهد بود.
۲. ثواب‌هایی که خداوند بر عمل‌ها به بندگان می‌دهد، همه از روی تفضل است؛ مانند جایزه‌هایی که گاه برای یک عمل مختصر می‌دهند. بنابر این نباید استبعاد کرد که یک عمل ساده، ثواب بزرگی داشته باشد. اصولاً ترسیم حقایق آخروی و پاداش آن به امور دنیوی و باطن ارزشمند اعمال دنیوی جز بر این قیاس نمی‌تواند باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ۵۲۱) لذا بسیاری از عمل‌های به ظاهر کوچک در شریعت اسلام، ثواب‌های بزرگی را به خود اختصاص داده‌اند؛ مانند ثواب شرکت در نماز جماعت که پاداش آن بسیار دانسته شده است (رک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ۱۸۲)
۳. عزاداری برای پیشوای مظلومان و هر عمل نیک دیگر، اگر چه ذاتاً اقتضای پاداش بسیار دارند - و در اصطلاح از حُسن فعلی برخوردار هستند- اما علاوه بر آن باید شرایط دیگر برای تأثیر و علیت را برخورد باشند؛ یعنی علاوه بر حُسن فعلی باید از حُسن فاعلی، انگیزه صحیح فاعل، پاک و خالص بودن عمل و... برخوردار باشد. اگرچه عزاداری، سوگواری و گریه، علت مقتضی برای پاداش بیکران الهی است، اما علت تامه نیست و در کنار دیگر شرایط لازم، علیت آن تامه می‌شود، اگرچه گریه و سوگواری به تنهایی ارزش خود را دارد و ثواب و پاداش آن در هر حال باقی است، اما برای رسیدن به آن ثواب‌های بیکران و ثبت جاودان، باید علیت آن تامه باشد.

نتیجه گیری

احادیث بسیاری وجود دارد که مردم را بر برپایی عزاداری معصومان علیهم السلام تشویق می‌نماید. از احادیث «من بلغ»، می‌توان استفاده کرد که در موضوع عزاداری، سخت‌گیری سندی لازم نیست. بر این اساس اگر شخصی با توجه به احادیث سوگواری، به قصد قربت و رجا عزاداری کند، ثواب آن عمل به او می‌رسد و لو این که شخص، سند احادیث سوگواری را بررسی نکرده باشد.

این روایات آن قدر زیاد است که به اعتراف بزرگان شیعه، به حدّ تواتر اجمالی رسیده است به این معنا که وقتی همه آن‌ها را کنار هم می‌گذاریم یقین حاصل می‌شود که بعضی از آن‌ها از امام صادر گردیده است. بنابراین ضعف سند برخی از روایات متواتر، اعتبار آن‌ها را مخدوش نمی‌کند. اگر دلیل حجیت خبر واحد سیره ی عقلا باشد، عمومیت دارد و سیره عقلائی بر این است که به خبر ثقه عمل می‌کنند، چه در موضوعات و چه در احکام، چه در قضایای فقهی و چه غیر فقهی مثل احادیث عزاداری.

بیشتر روایات ثواب سوگواری از کتاب کامل الزیارات نقل شده که از کتب بسیار معتبر شیعه است و نویسندگی آن؛ ابن قولویه، در مقدمه‌ی کتابش به وثاقت همه‌ی روایانی که در اسناد آن واقع شده اند، تصریح کرده است.

با توجه به ارزیابی سندی سه حدیث مشهور پیرامون عزاداری، به این نتیجه می‌رسیم که روایان این احادیث، همگی از روایان مورد اعتماد شیعه اند و این روایات بنابر اصطلاح متأخران، صحیح‌السند می‌باشند.

ثواب مطرح شده در روایات عزاداری و گریه بر معصومان، نه تنها هیچ تنافی با عقل ندارد، بلکه همخوان با برخی از آیات قرآن نیز می‌باشد.

کتاب نامه

قرآن کریم

- ۱) آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث الاسلامی، قم؛ ۱۴۰۹ق.
- ۲) آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت، ۱۹۸۳م.
- ۳) ابن بابویه، محمد بن علی، (شیخ صدوق)، الأمالی، نشر کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش.
- ۴) ----- معانی الاخبار، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ش.
- ۵) ابن حجر مکی، احمد بن محمد، صواعق المحرقة، قاهره، مکتبه قاهره، چاپ دوم، ۱۹۶۵م.
- ۶) ابن داود، الحسین بن علی، رجال ابن داود، مطبعة الحیدریه، النجف الاشرف، ۱۳۹۲ق.
- ۷) ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، دار الکتب الإسلامیه، چاپ: دوم، تهران: ۱۴۰۹ق.
- ۸) ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- ۹) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدّة الداعی و نجاح الساعی، قم: دار الکتب الإسلامی: ۱۴۰۷ق.
- ۱۰) ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، به کوشش عبدالحسین امینی، دار المرتضویة، نجف، ۱۳۵۶ق.
- ۱۱) ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- ۱۲) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: میر دامادی، جمال الدین، دار الفکر، چ سوم، بیروت: ۱۴۱۴ق.
- ۱۳) حلّی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال، تحقیق: جواد القیومی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
- ۱۴) برقی، احمد بن محمد، رجال البرقی، جامعه طهران، تهران، ۱۳۴۲ش.
- ۱۵) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال (رجال‌الکشی)، مؤسسه آل‌البیت، قم ۱۴۰۴ق.
- ۱۶) ----- الفهرست، تحقیق: جواد القیومی، موسسه النشر الفقهی، قم، ۱۴۱۷ق.
- ۱۷) ----- رجال الطوسی، تحقیق: جواد القیومی، النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ق.
- ۱۸) انصاری، مرتضی، رسائل فقهیه، چاپ کنگره، ۱۴۱۴ق.
- ۱۹) باقری، حمید، بررسی متنی و سندی روایات من بلغ، حدیث اندیشه، بهار و تابستان ۱۳۸۲، شماره ۵ و ۶، ۳۷-۹۲.
- ۲۰) بحرالعلوم، سید محمد مهدی، الفوائد الرجالیه، مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ق.
- ۲۱) برنجکار، رضا، روش شناسی علم کلام، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۱ش.
- ۲۲) برقی، احمد بن محمد، رجال البرقی، جامعه طهران، تهران، ۱۳۴۲ش.
- ۲۳) -----، المحاسن، مصحح: رجایی، مهدی، المجمع العالمی لاهل‌البیت، ۱۴۱۳ق.
- ۲۴) بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعة، انتشارات فرهنگ سبز، تهران: ۱۳۸۶ش.
- ۲۵) بهایی، محمدبن حسین، الاربعون حدیثاً، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- ۲۶) جوادی آملی، عبدالله، تحریر تمهید القواعد، الزهراء، قم ۱۳۷۲ش.
- ۲۷) حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- ۲۸) حسنی، هاشم معروف، الموضوعات فی الاثار و الاخبار، دار التعارف، بیروت، ۱۳۶۵ش.
- ۲۹) حسینیان قمی، مهدی، دفاع از حدیث (۵)، فصلنامه علوم حدیث، زمستان ۱۳۷۶، شماره ۶، ۱۲۹-۱۶۱.
- ۳۰) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل‌البیت: قم: ۱۴۰۹ق.
- ۳۱) حلّی، عبدالحسین، الشعائر الحسینیة فی المیزان الفقهی، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان: ۱۳۹۳ش.
- ۳۲) خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، مطبعة النجف، ۱۳۷۶ق.
- ۳۳) -----، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ق.

- ۳۴ -----، مصباح الفقاهة؛ بقلم محمد علی توحیدی تبریزی، قم داوری، ۱۳۷۷ش.
- ۳۵ زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، ۱۳۸۹ق.
- ۳۶ -----، الرسائل الاربع؛ قواعد اصولیة و فقهیة، قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۵ق.
- ۳۷ شهید ثانی، زین الدین بن علی، علم الدرايه، مکتبه المفید، بیجا، بی تا.
- ۳۸ صافی گلپایگانی، لطف الله، روش اجتهادی فقها، نشریه نقد و نظر، زمستان ۱۳۷۳، شماره ۱، از ۲۱۳ - ۲۶۶.
- ۳۹ صدری، مهدی، عزاداری رمز محبت، دلیل ما، قم: ۱۳۹۰ش.
- ۴۰ طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ش.
- ۴۱ طهرانی، ابوالفضل بن ابوالقاسم، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشوراء، مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۹ق.
- ۴۲ عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۲ق.
- ۴۳ عزیزان، مهدی، بررسی حجیت روایات آحاد در مسائل اعتقادی، معرفت ۱۳۸، شماره ۱۳۲.
- ۴۴ فاضل موحدی لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، مرکز فقه الائمه الاطهار(ع)، قم: ۱۴۲۸.
- ۴۵ فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، قاهره، چاپ افست تهران بی تا.
- ۴۶ فضلی، عبدالهادی، اصول الحدیث، دارالمورخ العربی، بیروت ۱۴۱۴ق.
- ۴۷ قاسمی، محمد، قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث، چاپ محمد بهجه بیطار، بیروت ۱۴۲۲ق.
- ۴۸ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الّا، دلیل ما، چاپ اول، قم: ۱۳۷۹ ش.
- ۴۹ قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۸۸ش.
- ۵۰ کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ش.
- ۵۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران: ۱۴۰۷ ق.
- ۵۲ مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، محقق: محی الدین مامقانی، موسسه آل البيت (ع) ۱۳۹۲ش.
- ۵۳ -----، مقباس الهدایه فی علم الدرايه، موسسه آل البيت (ع)؛ قم، ۱۴۱۱ق.
- ۵۴ متقی هندی، سید علی، کنز العمال، به کوشش بکری الحیانی و صفوة السقا، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۵۵ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی: چاپ: دوم، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
- ۵۶ مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۴ش.
- ۵۷ معرفت محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، موسسه فرهنگي انتشاراتی التمهید، قم: ۱۴۲۸ق.
- ۵۸ میرزای قمی، ابوالقاسم، قوانین الاصول، بی تا، ۱۳۷۸ش.
- ۵۹ ناصح، علی احمد، «پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری» پژوهش نامه قرآن و حدیث ۱، ۱۳۸۲ ش.
- ۶۰ نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی موسسه النشر الاسلامی، الطبعة الخامسة، قم: ۱۴۱۶ق.
- ۶۱ نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: ۱۴۰۸ ق.